

کمال و طریقت از منظر امام محمد غزالی و انعکاس آن بر عناصر بصری نگاره‌های اسلامی

چکیده

انسان در مقام اشرف مخلوقات از آفرینشی هدفمند برخوردار است و در مسیر زندگی به کمال باید نائل شود تا برای مقام اصلی‌اش شایسته شود. این امر مهم، اندیشمندان را به این فکر واداشته تا راه رسیدن انسان به کمال را به شیوه‌هایی متعدد ابراز کنند. ابوحامد محمد غزالی، شخصیتی متفکر و اندیشمند، با نگارش آثار متعدد در این رابطه نظرات ارزشمندی را بیان کرده‌اند. هدف اصلی پژوهش حاضر یافتن نظر غزالی درباره عوامل بنیادین نیل به کمال و طریقت اکمل به روش تحلیلی-توصیفی است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که غزالی کمال انسان را کمال اکتسابی و در صورتی که او را به قرب الهی برساند، کمال حقیقی می‌داند. از نظر او راه رسیدن به کمال با یافتن راهنمای این مسیر شروع می‌شود، سپس با پیروی از شرع ادامه می‌یابد و با کسب علم و معرفت تقویت شده و با تهذیب نفس کامل می‌شود تا در نهایت از قوس نزولی تا قوس صعودی مسیری تکاملی را طی کند. غزالی وجود طریقت‌های مختلف را برای رسیدن نفس به کمال امری ممکن می‌داند ولی در زندگی شخصی‌اش، طریقت عرفان را برترین طریقت ممکن برای رساندن نفس خویش به کمال یافت. بررسی نگاره‌های اسلامی حاکی از این است که در این آثار نیز شیوه‌های مختلف هدایت انسان و مسیر کمال ترسیم شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی عوامل مؤثر برای رسیدن به کمال از دیدگاه غزالی.

۲. بررسی سیر کمال انسان در نگاره‌های اسلامی.

سؤالات پژوهش:

۱. از نظر غزالی کمال انسان چگونه مسیر می‌شود؟

۲. سیر کمال انسان در نگاره‌های اسلامی به چه شکلی ترسیم شده است؟

کلیدواژه‌ها: طریقت، غزالی، کمال انسان، تهذیب نفس نگارگری اسلامی.

مقدمه

یکی از ویژگی‌های بارز در ارزشمندی انسان، غایت او است. کمال در پرتو اهداف خلقت معنا می‌یابد؛ چراکه انسان توسط خالق حکیم برای آفرینشی هدفمند خلق شده و ماندن در نقص و گمراهی هدف این امر نمی‌تواند باشد. انسان همواره طالب نیل به مقامی بهتر و بالاتر است؛ زیرا نیل به کمال و رهایی از نقص از همان ابتدای خلقت در ذاتش نهفته شده و این امر بیان‌گر اهمیت این مسئله است. یکی از مباحث مهم در نیل به کمال راه دستیابی به آن است. درک کمال و راه رسیدن به آن به‌عنوان امری مهم و اساسی در طول تاریخ نظر اندیشمندان مختلفی را به‌خود جلب کرده و آنان دیدگاه‌های خود را در آثار و بیاناتشان ارائه کرده‌اند. بسیاری از اندیشمندان، به‌ویژه فلاسفه و عرفا، از جمله ارسطو، ابن‌سینا، فخر رازی و ملاصدرا نظراتی را در حوزه کمال و راه نیل به آن ارائه کرده‌اند. ابوحامد محمد غزالی از معدود علمایی است که نه تنها بیانات و آثار متعددی در رابطه کمال انسان دارد، بلکه در راستای رساندن نفس خویشتن به این درجه، فراز و نشیب‌های این طریق را تجربه کرده و تحولات فکری بسیاری را در این زمینه متحمل شده است تا درنهایت، از دو حیث نظری و عملی، دیدگاهی جامع و قابل‌دستیابی ارائه نماید.

عوامل نیل به کمال از منظر علمای مختلف در قالب پژوهش‌های علمی بررسی شده اما تاکنون پژوهشی این مسئله را از دیدگاه غزالی بررسی نکرده است. اگرچه، در میان پژوهش‌های انگلیسی زبان، پژوهش «مفهوم کمال انسان از دیدگاه فارابی، ابن‌سینا و امام غزالی»^۱ به بررسی نظر غزالی درباره انسان کامل به‌صورت تطبیقی با فارابی و ابن‌سینا پرداخته، اما این پژوهش نیز تنها به یافتن معنای کمال از نظر این اندیشمندان بسنده کرده و عوامل نیل به آن را شرح نداده است. درحالی‌که پژوهش حاضر، سعی دارد مؤلفه‌های بنیادین نیل به کمال را از نظر غزالی برای نخستین‌بار شرح دهد. مفهوم کمال در دیگر انگاره‌های فرهنگی و هنری نیز نمود داشته است. در این میان، هنر نگارگری اسلامی یکی از جلوه‌گاه‌های سیر کمال انسان است.

این مقاله در پی یافتن پاسخی به این پرسش است که از نظر غزالی کمال به چه معناست؟ عوامل مؤثر برای رسیدن به آن چیست؟ همچنین، برای درک بهتر دیدگاه جامع غزالی، پس از بررسی نظر ایشان درباره طریقت‌های مختلف، به این سؤال‌ها نیز می‌پردازیم که کامل‌ترین طریقت برای کسب کمال کدام طریقت است؟ آیا مخالفت‌های ایشان با طریقت فلسفه در بحث کمال نیز وجود دارد؟ در زندگی شخصی شیوه ایشان برای رسیدن به کمال بر کدام طریقت استوار است؟ سیر کمال چگونه در نگاره‌های اسلامی منعکس شده است؟

پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است و درصدد واکاوی سیر کمال در اندیشه امام غزالی و نگارگری اسلامی است.

^۱ The concept on human perfection as per views of Al Farabi, Ibn Sina and Imam Ghazali

نتیجه‌گیری

سرچشمه فکری غزالی در رابطه با کمال و راه رسیدن به آن را باید تعالیم اسلامی دانست. اما نکته قابل توجه بیانات ایشان توجه و درک عمیق جنبه‌های مختلف این تعالیم است. او مخالفت‌هایی با برخی فلاسفه از خود نشان داده است. اما این اختلافات را نمی‌توان مخالفت او با عقل و برهان دانست؛ چراکه بهره‌مندی از این امور خود بخشی از تعالیم اسلامی است. او پیروی کورکورانه از شریعت و تعالیم دینی را امری نادرست می‌داند و تأکید بسیاری بر استفاده از عقل و کسب علم برای داشتن ایمانی استوار در این راه دارد تا انسان را از گمراهی حفظ نماید. اما صرفاً تکیه کردن به عقل را نکوهش کرده است؛ چراکه علمی که به عمل منتهی نشود به هدف خود نیز نرسیده است. در مسیری که غزالی نشان می‌دهد عقل حاکم و تعالیم دینی نور راه هستند اما تا زمانی که انسان به عمل نپردازد حتی در صورت تبحر کامل در علم و شریعت نمی‌تواند به مقصد برسد. عده‌ای غزالی را به دلیل مخالفت و جدل‌هایی که در برهه‌ای از زمان با برخی فلاسفه داشته، از مخالفین فلسفه می‌دانند اما با بررسی بیانات ایشان می‌توان دریافت که در مقوله کمال ایشان فلسفه را یکی از راه‌هایی می‌داند که می‌تواند انسان را به درجه کمال برساند. به‌طور کلی او امکان رسیدن به کمال به‌وسیله طریقت‌های مختلف را امری ممکن می‌داند و به باور ایشان برترین طریقت می‌تواند برای هر فرد متفاوت باشد و انتخاب آن به حال و مقام سالک بستگی دارد. او در زندگی شخصی‌اش طریقت تصوف را به دلیل بهره‌مندی صحیح از علم و عمل برگزیده است اما با توجه به انتقادات و ایرادگیری‌های او بر برخی امور متصوفین و استفاده از عقل در پیروی از این طریقت می‌توان چنین گفت که تصوف مدنظر ایشان، تصوفی عقلانی بوده و بیشتر به عرفان امروزی نزدیک است. به‌طور مثال، در رابطه با مال دنیا، آن را مطلقاً مانع رسیدن به کمال نمی‌داند و به‌کار گرفتن زهد نفس در رابطه با مال را برتر از فقر و تنگ‌دستی می‌داند. این سیر کمال انسانی در نگاره‌های اسلامی نیز نمود واضحی داشته است.

منابع

قرآن کریم

ابن عربی، محی‌الدین. (بی‌تا). الفتوحات المکیه، بیروت: دار صادر.

پورجوادی، نصرالله. (۱۳۸۱). دو مجدد پژوهش‌هایی درباره محمد غزالی و فخر رازی، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.

حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۳۹۴). دروس معرفت نفس، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

داوری اردکانی، رضا. (۱۳۸۸). «غزالی و فلسفه اسلامی». جاویدان خرد، شماره ۳، ۸۷-۱۰۰.

سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، بی‌جا: نهضت زنان مسلمان.

شیدان شید، حسینعلی. (۱۳۸۳). عقل از نظرگاه غزالی و هیوم، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

الشیرازی، صدرالدین محمد. (۱۳۷۹). تفسیر القرآن الکریم، قم: انتشارات بیدار.

الشیرازی، صدرالدین محمد. (۱۳۸۶). ایفاظ النائمین، (ترجمه: محمد خوانساری)، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

الشیرازی، صدرالدین محمد. (۱۴۱۰ق). الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، چاپ چهارم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

عبداللهی، مهدی. (۱۳۹۰). کمال نهایی انسان و راه تحصیل آن از دیدگاه فیلسوفان اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

غزالی، محمد. (۱۳۷۶). میزان العمل، (ترجمه: علی اکبر کسمایی)، تهران: سروش.

غزالی، محمد. (۱۳۸۲). مقاصد الفلاسفه، چاپ دوم، تهران، شمس تبریزی.

غزالی، محمد. (۱۳۸۳). کیمیای سعادت، چاپ ۱۱، تهران: علمی و فرهنگی.

غزالی، محمد. (۱۳۸۶). ترجمه احیاء علوم دین، (ترجمه: مویّد الدین خوارزمی)، تهران: علمی و فرهنگی.

غزالی، محمد. (۱۳۸۸). چنین گفت غزالی، (ترجمه: زاهد ویسی)، تهران: نگاه معاصر.

غزالی، محمد. (۱۳۹۰). موعظه المومنین من احیاء علوم الدین، (ترجمه: طاهر لاوژه)، ارومیه: حسینی اصل.

غزالی، محمد. (۱۳۹۴). المنقذ من الضلال در اثر فیلسوفان مسلمان غزالی، (ترجمه: محمد منافیان)، تهران: کتاب پارسه.

غزالی، محمد. (۱۳۹۶). کیمیای سعادت، چاپ سوم، تهران: فردوس.

غزالی، محمد. (۱۴۰۹ق). الأربعین فی اصول الدین، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.

غزالی، محمد. (۱۹۷۵م). معارج القدس فی مدارج معرفه النفس، بیروت: دارالآفاق الجدیدة.

غزالی، محمد. (بی‌تا). إحياء علوم الدین، بی‌جا: دار الکتاب العربی.

غزالی، محمد. (بی‌تا). میزان العمل، قاهره: دارالمعارف.

فرهنگ عمید. (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی عمید، چاپ اول، تهران: اشجع.

قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

محمدی، کاظم. (۱۳۸۱). چالش درون و جدال تاریخی عقل و عشق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

المقری الفیومی، أحمد ابن محمد علی. (۱۹۲۸م). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قاهره: المطبعة الأميریه.

Saparovich, E. I. (۲۰۲۱). THE CONCEPT ON HUMAN PERFECTION AS PER VIEWS OF AL FARABI, IBN SINA AND IMAM GHAZALI. CENTRAL ASIAN JOURNAL OF LITERATURE, PHILOSOPHY AND CULTURE, ۲(۶), ۱-۶. <https://doi.org/10.47494/cajlp.v2i6.151>.